

زبان فارسی و وسایل ارتباط جمعی^{۱)}

نظربه اهمیت زبان و ادب فارسی در زندگی اجتماعی و همچنین در صحنه روابط بین‌المللی دارد نایسته است که هر چه بیشتر درباره این میراث ملی و گنجینه گرانبها بحث و پژوهش به عمل آید .

مراجع دیصلاح کشور مانند : دانشگاهها ، وزارت فرهنگ و هنر ، کنگره تحقیقات ایرانی ، انجمن اسنادان زبان و ادبیات فارسی ، وزارت علوم و آموزش عالی و وزارت آموزش و پرورش اهمیت این امر خطیر و حیاتی را احساس نموده گهگاه با تشکیل مجالس مختلفی از قبیل : نشستها ، کنگرهها ، سمینارها و مراسم بزرگداشت دانشمندان و شاعران در این زمینه در بحث و گفتگویی تسینند .

زبان فارسی و کاربرد آن در رسانه‌های همگانی (وسایل ارتباط جمعی) مانند : مطبوعات ، رادیو و تلویزیون ، سینما و تئاتر از اهمیت و اعتبار خاصی برخوردار است . شکی نیست که این وسایل ارتباطی در تقویت یا تضعیف زبان فارسی نقش و تأثیر بسزائی دارند .
متأسفانه گاهی در برخی از مؤسسات مملکتی مانند : رادیو و تلویزیون و مطبوعات در این زمینه (به کار بردن فارسی درست و کوشش در تقویت و گسترش آن) سهل‌انگاریهایی

۱ - متن سخنرانی نویسنده ، در جلسات همایش زبان فارسی است که از سوی وزارت فرهنگ و هنر در تهران برگزار گردید .

شاهده می‌شود. افراط در استعمال واژه‌ها و اصطلاحات بیگانه - حتی در مواردی هم که معادلهای فارسی دارند - در همه حامحوسوس است. برخی از راه تشخیص و تفتن به این کار دست میزنند و زیاده روی در به کار بردن واژه‌ها و اصطلاحات خارجی را نشانهٔ روشنگری و دلیل بر اطلاعات وسیع خود می‌دانند! برخی نیز از راه تقلید محض از این شیوه ناپسند پیروی می‌کنند. بعضی هم گویی از روی اجبار و بنا بر مقتضیات شغلی خود (؟) به آسانی تسلیم لغات بیگانه می‌شوند و حتی در غیر موارد ضروری به استعمال آنها تن در می‌دهند. نمونه‌ای از این افراطها را در یکی از نوشته‌های نویسنده، بنام و جیره دست معاصر آقای سید محمد علی جمال زاده تحت عنوان (فارسی سکر است) می‌توان مشاهده کرد. جوانی فرنگی مآب با شیخی متعصب به همراه یک کلاه نمدی در زندان مصاحب یکدیگر می‌شوند و هر دو آن چنان در استعمال واژه‌های فرنگی و عربی افراط می‌کنند که چیزی از سخنان یکدیگر در نمی‌یابند. مرحوم دهخدا نیز در یکی از سلسله مقالات معروف خود با نام (چرند و برند) ضمن گفتاری با عنوان: (زبان ترجمه) به همین موضوع اشاره کرده است.



در سالهای اخیر مخصوصاً "برخی از جرایدانسه‌ها یا ندانسته اصرار و تعمدی داشته‌اند که حتی در مواردی هم که واژه‌های فارسی برای بیان مقصود کاملاً" رسا هستند برابریهای خارجی آنها را به کار برند (و این غیر از مواردیست که واژه‌های فرنگی معادل فارسی ندارند) همچنین است نقش رادیو و تلویزیون بویژه از طریق مصاحبه‌ها. شکی نیست که رادیو و تلویزیون در روشن ساختن افکار عمومی و آگاه کردن مردم از وقایع جهان و رویدادهای علمی و ادبی نقش مهمی بر عهده دارند. با همهٔ دقتی که در امر نظارت بر برنامه‌ها می‌شود، باز هم گهگاه در رادیو و تلویزیون اغلب واژه‌های فارسی به صورت نادرست بیان، واژه‌های بیگانه به مقدار بسیار زیادی شنیده می‌شود که در اغلب موارد استعمال آنها موردی ندارد.

رادیو و تلویزیون از طرفی زبان فارسی رسمی (رایج در مرکز) را به دور افتاده‌ترین شهرها و روستاهای کشور می‌کشانند و با این وسیله مردم را در جریان اوضاع و احوال کشور و جهان قرار می‌دهند و از طرف دیگر گویشهای اصیل آن نواحی را بتدریج از میان می‌برند و در زبان و لهجه مردم و مخصوصاً "در فرهنگ عامه (فولکلور) آنان اثر نامطلوب

می‌گذارند و آنها را رفته رفته محو و نابود می‌سازند .

اگر چه خوشبختانه وزارت اطلاعات و وزارت فرهنگ و هنر دامن همت به کمزرده و به گرد آوری ترانه‌های محلی و فولکلور پرداخته‌اند ، و نیز در گوشه و کنار کشور مردم علاقه‌مند دست‌اندرکار چنین خدمت عظیمی هستند ولی این کوشش‌ها در مقابل اثرات نامطلوب و سایر ارتباط جمعی در شهرها و روستاها بسیار ناچیز است . به کار بردن لغات و اصطلاحاتی از قبیل : (مرسی ، به جای سپاسگزارم یا متشکرم) ، (آلرزی ، به جای حساسیت) ، (ریسک کردن) ، به جای خود را به‌مخاطره انداختن) ، (انترسان ، به جای جالب و دلپذیر) ، (پرستیژ ، به جای شخصیت و حیثیت و اعتبار) ، (سوزه ، به جای موضوع) ، (ساینز ، به جای اندازه) و دهها واژه و اصطلاح از این دست چنان حوزه‌های ادارات و مؤسسات دولتی و بخش خصوصی را فرا گرفته است که به آسانی دیگر نمی‌توان جلو آنها را گرفت و چنانکه اشاره شد بعضی از راه‌نعمد و برخی به‌خیال‌تشنه و بعضی هم‌ندانسته به این آتش سوزنده و بتیان‌کن دامن می‌زنند . گویی به خیال باطل خود با به‌کار بردن واژه‌های بیگانه (آن‌هم در اغلب موارد با تلفظ غلط و حتی معنی نادرست) برای خویش وجهه و اعتباری کسب می‌کنند . باید به طرق مختلف ترتیبی داده شود تا به وسیله برنامه‌های رادیو و تلویزیون شنوندگان و بینندگان را به زبان و ادب فارسی علاقه‌مند نمود . این ایجاد علاقه تنها از این راه حاصل نمی‌شود که مثلاً : " مکاتبه را (مکاتبه : به فتح تاء و باء) و بین الملل را (بین الملل : به فتح باء و نون) تلفظ کرد و این کار نه تنها مردم را به زبان فارسی علاقه‌مند نمی‌سازد بلکه آنان را نسبت به زبان و ادب فارسی بی‌علاقه هم می‌کند . پس باید این امر در کلیه شوون : (برنامه‌های موسیقی ، نمایش ، برگرداندن " دوبله کردن " فیلمها و نیز در مصاحبه‌ها) رعایت شود . رعایت تلفظ درست کلمات و خواندن اشعار دلنشین از گفتگان و معاصران و نوشته‌های دلپذیر مستقیماً " یا به طور غیرمستقیم بینندگان و شنوندگان را با زبان و ادب فارسی بیشتر مأنوس نموده موجبات دل‌بستگی بیشتر آنان را فراهم می‌کند . تلفظ نادرست کلمات به وسیله گویندگان و بازیگران و خوانندگان و بی‌سلیکی در انتخاب اشعار و نوشته‌ها موجبات بی‌علاقگی عموم را از زبان و ادب فارسی فراهم می‌سازد ، به طوری که مردم عامی و بی‌خبر ، زبان و ادب فارسی را محدود به پاره‌ای اشعار غنائی و تغزلی و مضامین درویشی و لایب‌لیگری می‌پندارند و نه تنها

به حقیقت و کنه ادب فارسی توجه نمی‌کنند بلکه نسبت به زبان فارسی و طواهر آن هم بی‌علاقه و دلسرد می‌شوند .

* * *

تبلیغات دامنه‌داری که مدارس و مؤسسات مختلف ، در باره آموزش زبانهای خارجی می‌نمایند خواه و ناخواه عده‌ای از مردم را به سوی این قبیل مؤسسات می‌کشاند وحتسی اگر اجبار و الزامی در مورد تبعیت از برنامه‌های وزارت آموزش و پرورش در کار نمی‌بوداز تدریس همین چند ساعت محدود زبان فارسی (آن هم به طور ناقص) خودداری می‌کردند .

گاهی مشاهده شده که پاره‌ای مؤسسات آموزشی به یک میدان مسابقه تبلیغاتی تبدیل گردیده‌اند : چه هر یک از آن مؤسسات آموزشی خصوصی برای جلب دانش‌آموزان و علاقه‌مندان به فرا گرفتن زبانهای خارجی با یکدیگر به رقابت بر می‌خیزند . امتیازاتی که مؤسسات خصوصی جهت استخدام به‌دو طلبان آشنا به زبانهای خارجی می‌دهند بازار آموزش زبانهای خارجی را بیش از پیش گرم و رایج نموده است ؛ بطوریکه حتی در مدارس ابتدائی هم کمتر به زبان فارسی توجه می‌شود و حتی برخی از مردم فرزندان خود را به مؤسسات آموزشی خارجی می‌فرستند . شکی نیست که امروزه دانستن زبان خارجی امری ضروری و پسندیده است اما نه چندان که شخص از دانستن زبان مادری خود گریزان و بیگانه بشود . همچنین است تأثیر امتیازاتی که به فارغ‌التحصیلان رشته‌های غیر ادبی داده می‌شود .

نکته مهم در عدم توفیق در آموزش زبان فارسی عدم تخصص و بی‌اطلاعی برخی از معلمان و دبیران زبان و ادب فارسی است . اغلب ، کسانی که در هیچ رشته‌ای تخصص ندارند به تدریس زبان و ادب فارسی گماشته می‌شوند و چون آنان خود بی‌اطلاع و به اصطلاح پیاده‌اند و تنها از بد حادثه و از روی اجبار و به خاطر دریافت حقوق ، این امر خطیر را بر عهده می‌گیرند نتیجه و محصول کارشان ناچیز و حتی در بعضی موارد هیچ است و اگر احیاناً " ترس از مردود شدن در کنکور ورودی دانشگاهها و مدارس عالی در میان نمی‌بود دانش‌آموزان دبیرستانی دیگر همین مقدار اندک و مختصر از زبان و ادبیات فارسی را هم نمی‌خواندند .

* * *

به طور کلی اصول خدماتی را که وسایل ارتباطات جمعی و بخصوص رادیو و تلویزیون می‌توانند در جهت آگاهی بیشتر همگان از زبان و ادب فارسی بر عهده بگیرند می‌توان به

شرح زیر خلاصه کرد :

- ۱- علاقه مند ساختن مردم به زبان و ادب فارسی - از راه انتخاب آثار دلپذیر (منظوم و منثور)
- ۲- پخش آهنگهای اصیل موسیقی همراه با اشعار روان و ترانههای دلنشین (البته بیشتر از آنچه در حال حاضر در برنامه وجود دارد) .
- ۳- به کار بردن واژهها و اصطلاحات درست فارسی به جای لغات بیگانه .
- ۴- اجرای نمایشنامههای رادیویی و تلویزیون بر اساس متون عرفانی ، اخلاقی ، داستانی و حماسی فارسی .
- ۵- معرفی علما و دانشمندان ایرانی که صاحب تألیفات در علوم و ریاضیات و طب و غیره بوده‌اند : مانند : ابن سینا ، ابوریحان بیرونی ، خیام نیشابوری ، اسماعیل جرجانی و دیگران .
- ۶- نشان دادن چهره‌های واقعی آزادگان و دلیران و پهلوانان ایران و معرفی کامل آنان در سطوح مختلف .

همچنین سازمانهای مسؤول بهتر است از موارد ذیل دوری جویند :

- ۱- قرائت اشعار و اجرای مطالبی که نومید کننده و یأس آور و موجب اعراض از جهان و گوشه‌گیری گردد .
- ۲- به کار بردن واژههای بیگانه بیش از حد لزوم (چه از طریق مطبوعات و چه در رادیو و تلویزیون) .
- ۳- اغراط در اجرای نمایشها یا قرائت شعر و داستان شاعران و نویسندگان خارجی بطوریکه جوانان و طبقات مختلف به کلی از شعر و ادب فارسی بیگانه و خالی الذهن بمانند .

* * *

اهمیت نقش و رسالت مطبوعات کمتر از رادیو و تلویزیون نیست . متأسفانه برخی از ارباب جراید هر نوع مطلب بی سر و بنی را به نام شعر و مقاله و داستان در صفحات خود می‌گنجانند (بدون آنکه شرایط خاص مقاله یا شعر و داستان را در نظر بگیرند) . گاه اغلب نوشتهها مطالب تکراری و فاقد هر نوع ارزش است . جملهها اغلب سست و برخلاف قواعد دستوری زبان فارسی است ، بیشتر واژهها و اصطلاحات یا بیگانه است و یا ترجمای ناقص از اصل آنهاست که با زبان فارسی بهمیچ روی سازگاری ندارد از قبیل :

(از نقطه نظر ...) و یا مثلا : (شرایط زندگی) به جای (وضع زندگی) و مانند اینها .

واژه‌های فارسی هم‌گامی معنی و درست برخلاف و عکس مقصود نویسنده است : مثلا " دیده شده است که واژه نکوهیده در معنی نیکو و پسندیده به کار رفته و یا (باشائبه) به جای (بی شائبه) استعمال شده است . بعضی از لغات و اصطلاحات فارسی هم بر ساخته معدودی از نویسندگان ، و غیر قاصح است مانند : شکوفان شدن و پیاده کردن و امثال اینها . استفاده از زبان محاوره که در جای خود بسیار مستحسن و پسندیده است در غیر موارد ضروری بسیار ناخوشایند و ناپسند است . چنانکه برخی از نویسندگان تازه کار به صرف تقلید از نویسندگان بزرگ به چنین کارهایی دست می‌زنند و مثلا " در ضمن نوشته‌ای جدی ، جملاتی از قبیل : احوالشو پرسیدم ، چگونه ؟ و بهش گفتم را می‌آورند یا بخصوص در اشعار به طور مکرر واژه‌هایی از قبیل : دلپره ، آیه و بطن و امثال اینها را به کار می‌برند .

حذف بی‌مورد افعال و روابط جمله‌ها و استعمال نادرست افعال وصفی و ربط زمانهای مختلف به یکدیگر و نارسا بودن اغلب عبارات و مختصات سخنرانیها و نوشته‌های برخی از معاصران است .

آگهیهای تبریک و تسلیت نیز یکی از این قبیل موارد است و در اغلب آنها به درستی مفهوم و روشن نیست که مثلا " تبریک و شادباش برای کیست و از برای چیست ؟ ! مضامین برخی از آگهیهای تسلیت حقیقه " روح شخص مرده را هم آزرده و معذب می‌سازد ! مخصوصا " که در این قبیل آگهیها گاهی شعر دیگران را مثله و تحریف می‌کنند و یا کسی به خاطر عزیز از دست رفته اش و از سر سوز دل عبارات بی سر و تهی را به نام شعر در روزنامه چاپ می‌کند ! گاهی مصاحبه با ایرانیانی که از زبان مادری خود آگاهی دقیقی ندارند و نیز گفتگوی برخی از خبرنگاران با شخصیت‌های خارجی شگفتیهای فراوانی به بار می‌آورد به طوری که به هنگام ترجمه یا تهیه خلاصه سخنرانی آنان به زبان فارسی دچار زحمت و اشکال فراوان می‌شوند و حتی گاهی درست عکس گفته وی را نقل می‌کنند و این امر هم زاده عدم آشنائی آنان به دقایق زبان فارسی و هم احتمالا ناشی از عدم آشنائی به معانی گوناگون و تعبیرات و اصطلاحات زبان بیگانه است .

زبان شیرین فارسی در طی یکهزار و دوست سال فراز و نشیبها پیموده و استوار و به گزند از موانع و مشکلات فراوان گذشته است . بر هر ایرانی وطن پرست فرض است که در نگهداشت این ودیعه گرانبهای نیاکان و در بارور ساختن این درخت تناور از جان و دل بکوشد ، یعنی زبانی که مظهر تمدن و مبین سوابق درخشان چند هزار ساله تاریخ ماست . زبانی که شاعران و نویسندگان نامبردار ، از آن به : پارسی ، پارسی دری ، پهلوانی و گلبانگ پهلوی و جز آن تعبیر کرده اند .

نویسندگان و شاعران و بویژه نسل جوان امروز وظیفه‌ای بس خطیر در نگهداشت و تقویت این زبان کهن و ادب بسیار غنی آن دارند . امید است در کلیه شؤون اجتماعی و کوشش همه جانبه‌ای صورت گیرد و بخصوص در سازمانهای ارتباط جمعی این امر محسوستر باشد .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی